



صورت و سیرت حضرت عباس(ع)

جستاری در زندگی حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام) هم چهره عباس زیبا بود، هم اخلاق و روحیاتش. ظاهر و باطن عباس نورانی بود ...

محدثی، جواد - جستاری در زندگی حضرت ابوالفضل العباس(علیه السلام) هم چهره عباس زیبا بود، هم اخلاق و روحیاتش. ظاهر و باطن عباس نورانی بود و چشمگیر و پرجاذبه. ظاهرش هم آیین باطنش بود. سیمای پرفروغ و تابنده اش او را همچون ماه، درخشان نشان می داد و در میان بنی هاشم، که همه ستارگان کمال و جمال بودند، ابوالفضل همچون ماه بود؛ از این رو او را «قمر بنی هاشم" می گفتند.

در ترسیم سیمای او، تنها نباید به اندام قوی و قامت رشید و ابروان کشیده و صورت همچون ماهش بسنده کرد؛ فضیلت های او نیز، که درخشان بود، جزئی از سیمای ابوالفضل را تشکیل می داد. از سویی نیروی تقوا، دیانت و تعهدش بسیار بود و از سویی هم از قهرمانان بزرگ اسلام به شمار می آمد. زیبایی صورت و سیرت را یکجا داشت. قامتی رشید و برافراشته، عضلاتی قوی و بازوانی ستبر و توانا و چهره های نمکین و دوست داشتنی داشت. هم وجیه بود، هم ملیح. آنچه خوبان همه داشتند، او به تنهایی داشت.

وقتی سوار بر اسب می شد، به خاطر قامت کشیده اش پاهایش به زمین می رسید و چون پای در رکاب اسب می نهاد، زانوانش به گوش های اسب می رسید. شجاعت و سلحشوری را از پدر به ارث برده بود و در کرامت و بزرگواری و عزت نفس و جاذبه سیما و رفتار، یادگاری از همه عظمت ها و جاذبه های بنی هاشم بود. بر پیشانی اش علامت سجود نمایان بود و از تهجد و عبادت و خضوع و خاکساری در برابر «الله" حکایت می کرد. مبارزی بود خدا دوست و سلحشوری آشنا با راز و نیازهای شبانه.

قلبش محکم و استوار بود همچون پاره آهن. فکرش روشن و عقیده اش استوار و ایمانش ریشه دار بود. توحید و محبت خدا در عمق جاننش ریشه داشت. عبادت و خدایپرستی او آن چنان بود که به تعبیر شیخ صدوق: نشان سجود در پیشانی و سیمای او دیده می شد. ایمان و بصیرت و وفای عباس، آن چنان مشهور و زبانزد بود که امامان شیعه پیوسته از آن یاد می کردند و او را به عنوان یک انسان والا و الگو می ستودند. امام سجاد(علیه السلام) روزی به چهره «عبیدالله" فرزند حضرت ابوالفضل(علیه السلام) نگاه کرد و گریست. آنگاه با یادکردی از صحنه نبرد احد و صحنه کربلا از عموی پیامبر(حمزه سیدالشهدا) و عموی خودش (عباس بن علی) چنین یاد کرد:

«هیچ روزی برای پیامبر خدا سخت تر از روز «احد" نگذشت. در آن روز، عمویش حضرت حمزه که شیر دلوار خدا و رسول بود به شهادت رسید. بر حسین بن علی(علیهما السلام) هم روزی سخت تر از عاشورا نگذشت که در محاصره سی هزار سپاه دشمن قرار گرفته بود و آنان می پنداشتند که با کشتن فرزند رسول خدا به خداوند نزدیک می شوند و سرانجام، بی آن که به نصایح و خیرخواهی های سیدالشهدا گوش دهند، او را به شهادت رساندند."

آنگاه در یادآوری فداکاری و عظمت روحی عباس(علیه السلام) فرمود:

«خداوند، عمویم عباس را رحمت کند که در راه برادرش ایثار و فداکاری کرد و از جان خود گذشت، چنان فداکاری کرد که دو دستش قلم شد. خداوند نیز به او همانند جعفر بن ابی طالب در مقابل آن دو دست قطع شده دو بال عطا کرد که با آنها در بهشت با فرشتگان پرواز می کند. عباس نزد خداوند، مقام و منزلتی دارد بس بزرگ، که همه شهیدان در قیامت به مقام والای او غبطه می خورند و رشک می برند."

آن ایثار و جانبازی عظیم ابوالفضل، پیوسته الهام بخش فداکاری های بزرگ در راه عقیده و دین بوده است و جانبازان بسیاری اگر دستی در راه دوست فدا کرده اند، خود را رهیوی آن الگوی فداکاری می دانند و اسوه ایثارشان جعفر طیار و عباس بن علی بوده است: چون اقتدا به جعفر طیار کرده ایم پرواز ماست با پر جان در فضای دوست در پیروی ز خط علمدار کربلاست دستی که داده ایم به راه رضای دوست

بصیرت و شناخت عمیق و پایبندی استوار به حق و ولایت و راه خدا از ویژگی های آن حضرت بود. در ستایشی که امام صادق(علیه السلام) از ایشان کرده است بر این اوصاف او انگشت نهاده و به عنوان ارزش های متبلور در وجود عباس، یاد کرده است:

«كان عَمَّا الْعَبَّاسُ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ صُلْبُ الْإِيمَانِ، جَاهِدٌ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) وَابْلِيٌّ بِلَاءًا حَسَنًا وَمُضِيٌّ شَهِيدًا؛ عموی ما عباس، دارای بصیرتی نافذ و ایمانی استوار بود، همراه اباعبدالله جهاد کرد و آزمایش خوبی داد و به شهادت رسید."

و در یکی از زیارتنامه های آن حضرت نیز بر این «بصیرت" و اقتدا به شایستگان اشاره شده است: «شهادت می دهم که تو با بصیرت در کار و راه خویش رفتی و شهید شدی و به صالحان اقتدا کردی."

بصیرت و بینش نافذ و قوی که امام در وصف او به کار برده است، سندی افتخارآفرین برای اوست. این ویژگی های والا است که سیمای عباس بن علی را درخشان و جاودان ساخته است. وی تنها به عنوان یک قهرمان رشید و علمدار شجاع مطرح نبود، فضایل علمی و تقوایی او و سطح رفیع دانش او که از خردسالی از سرچشمه علوم الهی سیراب و اشباع شده بود، نیز درخور توجه است. تعبیر «رُفِقَ الْعِلْمُ" که در برخی نقل ها آمده است، اشاره به این حقیقت دارد که تغذیه علمی او از همان کودکی بوده است.

مقام فقهاتی او بالا بود و نزد راویان، مورد وثوق به شمار می رفت و دارای پارسایی فوق العاده ای بود. تعبیر برخی بزرگان درباره او

چنین است:

«#عباس از فقیهان و دین شناسان اولاد ائمه بود و عادل، ثقه، با تقوا و پاک بود.»

و به تعبیر مرحوم قایینی: «#عباس از بزرگان و فاضلان فقهایی اهل بیت بود، بلکه او دانای استاد ندیده بود.»

این سردار رشید و شهید، علاوه بر آن که خود به لحاظ قرب و منزلتی که نزد پروردگار دارد در قیامت از مقام شفاعت برخوردار است، وسیله شفاعت حضرت زهرا(علیهاالسلام) نیز خواهد بود. در روایت است:

در روز رستاخیز، آنگاه که کار سخت و دشوار گردد، پیامبر خدا، حضرت علی را نزد فاطمه خواهد فرستاد تا در جایگاه شفاعت حاضر شود. امیرمؤمنان به فاطمه(علیهماالسلام) میگوید: از اسباب شفاعت چه نزد خود داری و برای امروز که روز بی‌تابی و نیازمندی است چه ذخیره کرده‌ای؟ فاطمه زهرا (علیهاالسلام) میگوید: یا علی، برای این جایگاه، دست‌های بریده فرزندم عباس بس است.

افتخار بزرگ عباس بن علی این بود که در همه عمر، در خدمت امامت و ولایت و اهل بیت عصمت بود، به خصوص نسبت به اباعبدالله الحسین(علیهالسلام) نقش حمایتی ویژه‌ای داشت و بازو و پشتوانه و تکیه‌گاه برادرش سیدالشهدا بود و نسبت به آن حضرت، همان جایگاه را داشت که حضرت امیر نسبت به پیامبر خدا داشت. در این زمینه به مقایسه یکی از نویسندگان درباره این پدر و پسر توجه کنید:

«#حضرت عباس در بسیاری از امور اجتماعی مانند پدر قد مردانگی برافراخت و ابراز فعالیت و شجاعت نمود. عباس، پشت و پناه حسین بود مانند پدرش که پشت و پناه حضرت رسول الله بود. عباس در جنگ‌ها همان استقامت، پافشاری، شجاعت، قوت بازو، ایمان و اراده، پشت نکردن به دشمن، فریب دادن و بیم نداشتن از عظمت حریف و انبوهی دشمن را که پدرش در جنگ‌های احد، بدر، خندق، خیبر و غیره نشان داد، در کربلا ابراز داشت.

عباس، همانطور که حضرت علی(علیهالسلام) همیان(کیسه) نان و خرما به دوش می‌گرفت و برای ایتام و مساکین می‌برد، او به اتفاق و امر برادر، بسیاری از گرسنگان مکه و مدینه را به همین ترتیب اطعام می‌نمود. عباس، مانند علی(علیهالسلام) که باب حوایج دربار پیغمبر بود و هر کس روی به ساحت او می‌کرد، اول علی را می‌خواند، باب حوایج در استان امام حسین(علیهالسلام) بود و هر کس برای رفع حوایج به دربار حسین(علیهالسلام) می‌شتافت، عباس را می‌خواند.

عباس مانند پدر که در بستر پیغمبر خوابید و فداکاری کرد در راه پیغمبر، در روز عاشورا برای اطفال و آب آوردن فداکاری کرد. عباس مانند پدر که در حضور پیغمبر شمشیر می‌زد، در حضور برادر شمشیر زد تا از پای درآمد. عباس، همان‌طور که پدرش به تنهایی به دعوت دشمن رفت، به تنهایی برای مهلت به طرف خیل دشمن حرکت فرموده و مهلت گرفت.»